

کرباسچی، دوچرخه‌سواری حناچی و حادثهٔ دانشگاه

نتیجه آنکه قشنگ‌ترین چشم‌اندازهای طبیعی شهر تهران به جنگل بتون و خودرو تبدیل شد، چگونه می‌توان در ساختمانی که بنایش با نادرستی و غیراخلاقی ساخته شده است، درس اخلاقی و کار حرفه‌ای سالم آموخت و مهندسان، دانشمندان و پزشکیانِ تحویل جامعه داد که شرافت شغلی‌شان را فدای پول و پارتی نکنند؟

جناب آقای کرباسچی، می‌دانید چرا شما و سایر ادامه‌دهندگان شما در مدیریت شهری این تصمیمات نادرست را گرفتید؟ فقط به یک دلیل ساده. شما صبح زود قبل از آنکه فرصت کنید رفتن بچه‌تان را به مدرسه ببینید، سر کار رفتید، شما حتی از مشاهده نزدیک‌ترین عزیزتان یعنی فرزندان محروم شدید چه برسد شهروندان بیرون از دیوار خانه‌تان. مدیری که صبح زود سر کار می‌رود فقط سروکارش با پیمانکارانی است که آن ساعت دنبال کار می‌گردند و نه مردم. اگر شما یک بار با پای پیاده از پایین کیش تا تپه‌ای که برج میلاد را بنا کردید رفته بودید، هرگز این سازه بی‌خود بتونی را در شهری که در بالای سرش قله چهار هزارمتری است، بنیان نمی‌گذاشتید تا من شهروندی را که فاصله‌ام تا آن فقط ۷۰ متر است، از یک پیاده‌روی ساده محروم کنید.

من در زندگی خود فقط یک بار تجربه جلسه‌های ساعت شش صبح دوستان شهرداری را تجربه کرده‌ام. وقتی برای اولین و آخرین‌بار در جلسه ساعت شش شورای تکلیف پارک طبیعت پردیسان شرکت کردم، اولین روزی بود که نتوانستم خودم پسرمر را برای مدرسه آماده کنم. آن روز خیلی کم بدی داشتم. آنجا هم انتقاد کردم و چون حرف‌های من به مذاق دوستان اغلب بازنشسته خوش نیامد، خوشبختانه دیگر به آن جلسات دعوت نشدم.

جناب آقای کرباسچی، شما در ۶۵سالگی احتمالاً باید بازنشسته باشید. از شما دعوت می‌کنم روز سه‌شنبه همین هفته بیایید با آقای حناچی با دوچرخه سری به شهر زنبد، با رکاب‌زدن از میدان توحید تا انقلاب ببینید که چه ساخته‌اید؟ اگر دوچرخه ندارید، من به شما امانت می‌دهم. اگر شما هم مانند پیروز حناچی با دوچرخه در شهر گشت می‌زدید یا با پای پیاده یک بار لذت کوه‌نوردی در شمال تهران را چشیده بودید، آن وقت حتی قوی‌ترین نیرو هم نمی‌توانست شما را در ساختن ساختمان دانشگاه آزاد در آن شیب‌های تند مجاب کند و الان این ۱۰ جوان به جای کورستان در کنار خانواده‌شان زندگی می‌کردند و ۲۶ جوان زخمی هم جایشان را بیمارستان نبود.

نقش ژئوپلیتیکی ایران در افغانستان

... زیرا- در اختیارداشتن بخش وسیعی از خاک افغانستان به دست طالبان و میزان نفوذ مردمی این گروه میان قبایل گوناگون و متحدانش بر وزن سیاسی-اجتماعی این گروه می‌افزاید.کشورهایی مانند روسیه، عربستان، پاکستان و ایران ازجمله این بازیگران منطقه‌ای هستند. البته بازیگران فرامنطقه‌ای هم بی‌نظر و بی‌منفعت در این زمینه نبوده و هر یک تلاش دارند که به طور منفی یا مثبت به وزن و نقش خود اضافه کنند. درحالی‌که استراتژی ایران در افغانستان عدم حذف دولت این کشور و توازن سیاسی بین نیروهای تأثیرگذار برای ایجاد ثبات پایدار است؛ اما مذاکرات قبلی طالبان در قطر، روسیه یا شورای‌عالی صلح افغانستان و همچنین اجلاس چهارروزه طالبان آ آمریکا، عربستان، پاکستان و امارات در ابوظبی همگی بدون حضور دولت افغانستان بوده و طبیعی است این روند به جایی نخواهد رسید. آنچه ایران را تشویق می‌کند نقش سازنده‌ای در این زمینه ایفا کند، علاوه بر ویژگی‌های برشمرده در فوق، نقش و قدرت متوازن‌کننده ایران در افغانستان به دلیل نفوذ مردمی و تأثیرات سیاسی-اجتماعی و نیز سوابق همکاری دو کشور در سطح رسمی و مخصوصاً کمک ایران به مردم و گروه‌های جهادی در دوران مبارزه‌شان با شوروی و پندیرایی از مهاجران افغانستان در ایران و همچنین ارتباط جمهوری اسلامی با همه گروه‌های افغانستانی از زمان‌های دور و مخصوصاً ارتباط با نیروهای جهادی و مبارز افغانی در طول مبارزاتشان است. منافع ایران از ایفای نقشی سازنده و تأثیرگذار در ایجاد توازن سیاسی بین طالبان و دولت افغانستان عبارت است از:
۱. تسهیل مذاکرات طالبان و دولت افغانستان می‌تواند منجر به استقرار سریع‌تر صلح و ثبات و قطع مداخله خارجی در این کشور شود.
۲. تلاش برای تقویت وجود زمینه‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی حضور طالبان در سیاست و حکومت افغانستان از طریق مصالحه سیاسی به جای تداوم مبارزات نظامی در این کشور.
۳. دورکردن خشونت و تروریسم از افغانستان و منطقه و کاهش‌یزکردن گفتمان سیاسی به جای روند نظامی کمک مؤثری به ثبات داخلی و امنیت منطقه‌ای خواهد بود.
۴. کمک به چالش‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی دولت افغانستان برای استقرار صلح، ثبات و امنیت و آغاز و تکمیل هرچه سریع‌تر روند توسعه و نوسازی در این کشور برای وجود یک کشور باثبات و پیشرفته در کنار مرزهای شرقی خود.

لیلا مرکن؛ رئیس‌جمهور دیروز در جمع مدیران آب و برق کشور، مسئله بارورکردن ابرها را راه‌حل اساسی مشکل آب کشور ندانست و گفت در دهه ۴۰ نیز رژیم شاهنشاهی اعلام می‌کرد با استفاده از بارورسازی ابرها، مشکل آب را حل می‌کند. حسن روحانی این تفکر را نمونه‌ای از تفکرات شاهانه دانست. در حالی رئیس‌جمهور این سخنان را به زبان می‌آورد که وزارت نیرو به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های دولت، برای بارورسازی ابرها با سپاه قرارداد امضا کرده و قرار است امسال هم در زمان مناسب با کمک نیروی هوافضای سپاه، عملیات بارورسازی ابرها را گسترده‌تر پیگیری کند. بهار امسال که شاهد بارش‌های مناسبی در سراسر کشور به دلیل تغییر در شرایط اقلیمی و فصل بارش‌ها بودیم، مسئولان سپاه اعلام کردند که این بارش‌ها حاصل فعالیت سپاه و بارورسازی ابرها بوده است. ادعایی که البته هیچ سندی برای اثبات آن وجود نداشت زیرا درک این موضوع که عملیات بارورسازی چه میزان در بارش‌های کشور اثر دارد، نیازمند مطالعات طولانی‌مدت است و با بارش‌های یک سال نمی‌توان درباره تأثیر این عملیات بر بارندگی، قضاوت درستی داشت. حال پس از سخنان رئیس‌جمهور این پرسش مطرح می‌شود که اگر بارورسازی ابرها راه‌حل مشکل آب کشور نیست، چرا باید وزارت نیرو بودجه محدود خود را صرف بارورسازی ابرها کند. این وزارتخانه برای هر پروژه به منظور اجرای عملیات بارورسازی که از نتایج آن اطلاعات دقیق و شفافی در دست نیست، چقدر از بودجه خود را صرف می‌کند و آیا بهتر نیست این بودجه به نحو دیگری هزینه شود؟ رئیس‌جمهور دیروز با حضور در وزارت نیرو، در جمع مدیران آب و برق کشور سخنانی را ارائه کرد که ابهامات فراوانی را در ذهن ایجاد می‌کرد. درحالی‌که حسن روحانی به عنوان بالاترین مقام قوه مجریه، بارورسازی را راه‌حل اساسی بحران آب این روزهای کشور نمی‌داند، وزارت نیرو با وجود آن همه بدهی، پول خود را صرف عقد قرارداد برای اجرای عملیات بارورسازی می‌کند. کارشناسان مستقل معتقدند که در بهترین شرایط، بارورسازی ابرها حدود ۱۰ درصد در میزان بارش‌های کشور مؤثر است اما از آنجا که مرکز بارورسازی ابرها وابسته به وزارت نیرو به‌طور مستمر عملیات بارورسازی ابرها را انجام نداده است، با وجود قدمت چندهم‌ای این فعالیت در ایران، اطلاعات شفاف و کاملی در اختیار نداریم که بدانیم عملیات بارورسازی در کشور به چه میزان روی بارش‌ها تأثیر داشته است. با وجود این ابهامات، بهار امسال بارش‌های مناسبی را در کشور شاهد بودیم، مسئولان سپاه اعلام کردند این بارندگی حاصل تلاش آنها برای بارورکردن ابرها بوده است. اظهاراتی که هیچ سندی برای اثباتش وجود ندارد زیرا به اعتقاد اقلیم‌شناسان، تغییر شرایط جوی، زمان بارش‌ها در ایران را به احتمال زیاد تغییر داده و به جای بارش‌های زمستانه، شاهد بارش در فصل بهار هستیم اما واقعیت بارش مناسب باران در بهار را هم نمی‌توان رد کرد. با وجود آنکه به ظاهر رئیس‌جمهور و مشاورانش عملیات بارورسازی ابرها را نسخه شفابخشی نمی‌دانند اما ششم مهرماه امسال وزیر نیرو در گفت‌وگو با خانه ملت اعلام کرد که سپاه آمادگی دارد در زمینه بارورسازی ابرها فعال

شود و وزارتخانه تحت مدیریت رضا اردکانیان هم قصد دارد تعداد پروژه‌ها برای بارورسازی ابرها در سال جاری را نسبت به سال گذشته افزایش دهد. دوم آذرماه ۹۷ هم فرید گلکار، مدیر مرکز تحقیقات و مطالعات باروری ابرها اعلام کرده بود که این عملیات با هواپیماهای ساخته‌شده از سوی سپاه پیگیری خواهد شد. امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوایی سپاه هم در ششم آذر ماه ۹۷ در مراسم یادواره شهدای شهر ابریشم از سلسله برنامه‌های کنگره ملی سرداران و هزارو ۴۰۰ شهید خزششکن فلاورجان اعلام کرد: «امروز سپاه آمادگی کامل دارد تا در بخش‌های غیرنظامی هم وارد شود که به طور مثال می‌توان باروری ابرها را در بعضی از استان‌ها نام برد که در این زمینه در سال گذشته با مشارکت وزارت نیرو اقدام مهمی شروع شده و در حال انجام است». دیروز هم حسن روحانی اعلام کرد که بارورسازی ابرها راه‌حل اساسی مشکل آب کشور نیست. حال این پرسش مطرح می‌شود که اگر بارورسازی ابرها تأثیری در حل مشکل آب کشور ندارد یا تأثیر آن ناچیز است، چرا باید وزارتخانه متولی آب و برق کشور منابع مالی محدود خود را در پروژه‌های بارورسازی ابرها صرف کند؟ اگر به‌جای هزینه این منابع در پروژه‌ای که نتیجه آن مشخص نیست، اعتبارات صرف جایگزینی لوله‌های فرسوده شبکه توزیع آب کشور شود، به نتیجه مطلوب‌تری در زمینه بحران آب دست نمی‌یابیم؟ اگر بارورسازی ابرها برای کشور ضروری است، چرا بالاترین مقام اجرایی کشور چنین اظهاراتی را در جمع مدیران مطرح می‌کند؟ به‌راستی چه کسی به رئیس‌جمهور در زمینه مسائل آب و برق مشاوره می‌دهد که سخنانش در این حد با واقعیت‌های کنونی در تضاد است؟

توسعه‌افقی اراضی کشاورزی در تناقض با مدیریت مصرف

حسن روحانی که چندی پیش در جمع مردم سیمان وعده انتقال آب خرز به سیمان را داده بود، دیروز در جمع مدیران آب و برق، انتقال آب دریا را یک

اقتصاد



وزارت نیرو در طرح‌های غیرضروری هزینه می‌کند؟

بارورسازی ابرها تفکری شاهانه

درصد سید مصرفی آب کشور اعلام کرد و گفت باید با مدیریت مصرف، نیازهای آبی کشور تأمین شود. او در حالی اقدامات دولت در زمینه آبی‌کردن زمین‌های دیم غرب کشور یا آبرسانی به طرح ۴۶ هزارهکتاری در سیستان‌و بلوچستان را دست‌ورزهای مثبت دولت ارزیابی کرد که در قسمت قبلی سخنان خود درباره مدیریت مصرف سخن به میان آورده بود اما با جملات بعدی، نظرات قبلی خود را هم رد کرد. کارشناسان مستقل، توسعه افقی در بخش کشاورزی را در تضاد با بحث مدیریت مصرف می‌دانند. یکی از این کارشناسان عباسقلی جهانی، عضو سابق شورای جهانی آب است که به «شرق» می‌گوید: به‌طورکلی در بین کارشناسان مستقل این اجماع وجود دارد که زمان توسعه افقی کشاورزی به سر آمده است. او اضافه می‌کند: توسعه افقی در بخش کشاورزی زمانی اتفاق افتاده که قرار بود توسعه عمودی در این بخش داشته باشیم.

به اعتقاد او در حال‌ حاضر با حقیقتی به نام کم‌آبی روبه‌رو هستیم، بنابراین باید تلاش کنیم فعالیت‌هایی را توسعه دهیم که حداقل آب را با حداکثر بهره‌وری مصرف می‌کنند. او تأکید می‌کند: در فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه در بخش کشاورزی نباید صرفاً به توسعه توجّه شود بلکه باید ظرفیت‌های مناسب بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری انجام‌شده را هم در مناطق لحاظ کنیم. مثلاً اگر به ۴۶ هزار هکتار از اراضی کشاورزی سیستان‌و بلوچستان آبرسانی می‌کنیم، باید درباره توسعه مکانیزاسیون و مسائل پشتیبانی‌کننده کشاورزی صنعتی مثل صنایع تبدیلی و تکمیلی و... هم توجّه کنیم تا سرمایه‌گذاری عظیمی که در این منطقه انجام می‌شود، به بار بنشیند و به بهره‌دهی مطلوب برسد. عضو سابق شورای جهانی آب عنوان می‌کند: در گذشته هم تجربیات ناموفقی داشتم. خدماتی ارائه کردیم اما به دلیل ایجادنکردن ظرفیت‌های لازم برای بهره‌برداری، طرح‌های اجراشده به بهره‌دهی مناسب نرسید. از نگاه او آبرسانی به زمین‌های دیم هم اقدام

درستی نیست؛ زیرا برای افزایش تولید در اراضی دیم باید با تکیه بر فناوری نوین، راندمان را در این اراضی افزایش داد. تبدیل اراضی دیم به آبی به مفهوم توسعه افقی بخش کشاورزی است که در شرایط کنونی به صلاح کشور نیست.

سهم دولت در احیای ارومیه چقدر است؟

درحالی‌که رئیس‌جمهور احیای دریاچه ارومیه را عامل نجات‌یافتن ۱۴ میلیون نفر معرفی کرد، عباسقلی جهانی سهم دولت و عوامل طبیعی در افزایش میزان آب دریاچه ارومیه را نامشخص توصیف می‌کند.

او می‌گوید: اگرچه حجم آب دریاچه ارومیه براساس گزارش‌های ستاد احیا نسبت به سال گذشته بیشتر شده است اما سؤال این است که مجموعه اقدامات ما و ستاد احیای این اتفاق را رقم زده است یا شرایط جوی طوری بوده است که این شرایط به‌وجود آمده است. عضو سابق شورای جهانی آب تأکید می‌کند: باید با ارقام و اعداد و مستندات مشخص شود که سهم هرکدام از عوامل در احیای دریاچه چقدر بوده است. ما نمی‌توانیم شرایط جوی مناسب را به حساب اقدامات خود بگذاریم. تا جایی که اطلاع دارم، میزان آب دریاچه ارومیه تا سه، چهار ماه پیش، چند سانتی‌متری نسبت به پارسال افزایش یافته بود ولی آن موقع هم ابراز می‌شد که وضعیت جوی این پیشرفت را باعث شده است.

صنعت برق بدون برنامه بلندمدت

رئیس‌جمهور در سخنان روز گذشته خود اگرچه از نبود خاموشی‌گسترده در ۱۵ سال اخیر در کشور خبر می‌دهد اما واقعیت این است که تابستان گذشته را با خاموشی برنامه‌ریزی‌شده پشت‌سر گذاشتیم. آنچه در واقعیت رخ داده است، سخنان رئیس‌جمهور را نقض می‌کند. قطعی برق، زندگی عادی مردم را در تابستان گذشته مختل کرد و دلیل این اختلال از نگاه محمدرحیم عقداپی، دبیر سابق انجمن کارفرمایان توزیع صنعت برق، وجودنداشتن برنامه بلندمدت در این صنعت بوده است. او به «شرق» می‌گوید: وزارت نیرو مثل سایر بخش‌های کشور برای ۵۰ سال آینده برنامه ندارد. ژانین آن سال ۲۰۵۰ برای صنعت برق خود برنامه‌ریزی کرد است که چکار می‌تواند بکند. ما برنامه‌های آنها را ترجمه کردیم و آن را در اختیار صنعت برق قرار دادیم اما کسی به برنامه‌ریزی توجهی نمی‌کند. همه به یک دوره چهارساله ریاست‌جمهوری، وزارت یا نمایندگی مجلس فکر می‌کنند و افق دید آنها بیشتر از چهار سال نیست. بنابراین برایشان فرقی نمی‌کند که چه اتفاقی در آینده می‌افتد. عقداپی اضافه می‌کند: برای کشور نباید این‌گونه فکر کرد. به نظر من در کشور ما افراد فقط به دوران مدیریت خودشان فکر می‌کنند. بیلان و رشد را فقط برای دوره خود می‌دهند و به آینده فکر نمی‌کنند. او خاموشی برنامه‌ریزی‌شده سال گذشته را ناشی از کمبود تولید به دلیل کم‌آبی و ساخته‌نشدن نیروگاه‌های جدید دانسته و اعلام می‌کند: قانون ساخت نیروگاه جدید را به بخش خصوصی واگذار کرده است اما بخش خصوصی یا سرمایه ندارد یا انتظارات این بخش به نحوی است که برای سرمایه‌گذاری عظیم باید بازگشت سرمایه‌اش در مدت محدودی انجام شود. در نتیجه نرخ برق بالا می‌رود. در چنین شرایطی بخش خصوصی تمایلی به ایجاد نیروگاه جدید ندارد.

الف) بر خلاف آنچه که در گزارش روزنامه شرق بیان شده، آقای دکتر محمدرحمن نامی اساسا در سال ۱۳۸۷ که شرکت مذکور خصوصی شده است، هیچ‌گونه سمت و مسئولیتی در شرکت کننورسازی ایران (سهامی عام) و یا شرکت کننورسازان قزوین مدار (سهامی خاص) نداشتند.
ب) از دیگر موارد خلاف واقع بودن گزارش یادشده، درج عبارت ذیل است:

«بعد از واگذاری، یکی از وزرای سابق دولت نهم و دهم نیز عضو هیئت‌مدیره کننورسازان قزوین مدار بوده است...»؛
این‌خصوص باید اذعان داشت باوجود اینکه مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز روزنامه شرق به سهولت امکان دسترسی به تاریخ انتصاب آقای دکتر محمدرحسن نامی به‌عنوان وزیر آن هم در مدت شش ماه آخر دوره تصدی دولت دهم را داشته است متأسفانه گزارش کذب به شرح فوق را در صفحه ۵ (اقتصادی) منتشر کرده است. این اقدام علاوه بر اینکه با واقعیت منطبق نبوده موجب وهن و تشویش اذهان عمومی به قصد اضرار به موکل صورت گرفته است.

در پایان خاطرنشان می‌سازد ریاست محترم دادگاه در پاسخ به اظهار مدیرعامل شرکت کننورسازی ایران (سهامی عام) بصراحت بیان داشتند، رسیدگی بر اساس کيفرخواست صادره صورت می‌پذیرد. معهذا نقل قول از طرف آقای علی عاملی‌زنانی در روزنامه وزین (شرق) بدون درج پاسخ دادگاه محترم رسیدگی‌کننده به نوعی مصادره به مطلوب و گزینش بخشی از مطالب مطرح‌شده در دادگاه محترم به زبان موکل است.

بدین توصیف یادآور می‌شود تشخیص متهمان اصلی در صلاحیت دادسرا و دادگاه محترم رسیدگی‌کننده است (نه اشخاص ثالث) همچنین مرجع محترم ذی‌صلاح قضائی اختیار دارد به استناد بند (پ) ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری قرار نظارت قضائی متضمن منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرائم ارتكابی را برای هر یک از متهمین صادر فرماید.

دخ‌ل سال آینده ۳۰۰

خرچ ۴۰۷ هزارمیلیارد تومان است

تأمین کسری ۱۰۷ هزارمیلیاردتومانی با فروش اموال و خرید زمان

● **شرق:** انتشار اوراق مالی برای تأمین کسری‌های بودجه و پرداخت بدهی‌های دولت رسمی است که در چندسال گذشته باب شده و اگرچه تحلیلگران از آن به‌عنوان آینده‌فروشی نام می‌برند، اما محمداق‌ر نوبخت آن را خرید زمان می‌داند. این خرید زمان به نظر می‌رسد قرار است در لایحه بودجه سال آینده بخشی از کسری بودجه سال آینده را تأمین کند.

هادی حق‌شناس، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: در بودجه دو جدول وجود دارد که یک جدول منابع و یک جدول هزینه‌هاست که در قسمت منابع در لایحه بودجه سال آینده، حدود ۱۲۶ هزار میلیارد تومان مالیات در نظر گرفته شده و اگر سود بازگراتی را هم به آن اضافه کنیم، حدود ۱۵۳ هزار میلیارد تومان می‌شود، حالا اگر این عدد با ۱۴۲ هزار میلیارد تومان درآمد نفت جمع شود، عددی زیر ۳۰۰ هزار میلیارد تومان به دست می‌آید و این در حالی است که مصارف عمومی کشور ۴۰۷ هزار میلیارد تومان است و سؤال اینجاست که این ۱۰۷ هزار میلیارد تومان یا کمی بیش از آن از کجا تأمین می‌شود که برای پاسخ به آن باید گفت این منابع احتمالا از طریق فروش اسناد گشت یا از فروش اموال و شرکت‌های دولتی تأمین می‌شود، بنابراین منابع دولت یا از مالیات یا از نفت است و بقیه آن از طریق فروش اسناد خزانه یا اموال دولت است.

او تأکید کرد: اسناد خزانه نوعی «استقراض» محسوب می‌شود و درواقع کسب درآمد از مالیات‌های کسب‌وکار مردم و استقراض گرفتن از مالیات‌های آینده است. سؤال این است که آیا مردم راضی هستند که دولت از مالیات آینده مردم قرض کند، ولی به‌جای آنکه این پول را صرف پروژه‌های عمرانی یا پرداخت حقوق کارکنان دولت کند، آن را صرف پرداخت بودجه به برخی از نهادهای کند؟

حق‌شناس اظهار کرد: مسئله این نیست که ارقام بودجه شفاف نیست یا محل منابع آن یا محل مصارف آن مشخص نیست. در همه سنوات گذشته هرکس که بخواهد منابع یا محل هزینه و مصارف آن را بداند به راحتی می‌تواند در قانون بودجه آنها را ببیند و به عبارت ساده‌تر این اطلاعات در دسترس همگان قرار داشته و امروز هم به راحتی همه به آن دسترسی دارند. آنچه که محل ابهام است، نکته تشخیص است و این تشخیص، موضوعی است که بخشی از آن برعهده دولت و بخش دیگر آن برعهده مجلس است؛ یعنی دو قوه باید تشخیص دهند در این شرایطی که کشور با مشکل کمبود منابع مواجه است، آیا می‌شود با فروش شرکت‌های دولتی یا اسناد خزانه و استقراض پولی را به دست آورد و بعد آن را در بین بخشی از اشخاص حقیقی یا حقوقی تقسیم کرد.

ادامه در صفحه ۵



NORWEGIAN
REFUGEE COUNCIL

Tender Advertisement

The Norwegian Refugee Council intends give over provision of “School Equipment” through a tender. To receive project documents, the qualified companies are invited to send their letters of interest along with registration/incorporation documents, list of similar School Equipment Supply works performed in the past five years, as well as contact information via email to ir.logistics@nrc.no. no no later than “Thursday 3rd of January 2019 – 16:00”. Please indicate the word “School Equipment Supply- AC” in the subject-line of your email. Proposals received after the mentioned date will not be considered. The cost of advertisement in newspaper is by the winner of the tender.

آگهی مناقصه

سازمان امور بانه‌دگی نروژ در نظر دارد ، خرید “تجهیزات مدارس” را از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. از شرکت های واجد شرایط دعوت می شود جهت دریافت اسناد مناقصه ، نامه اعلام آمادگی خود را به هواره مستندات ثبت شرکت با مجوز کار، فهرست فعالیت‌های مشابه در زمینه تامین تجهیزات مدارس در پنج سال گذشته و اطلاعات تماس خود را ، حداکثر تا روز “پنجشنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۷ ساعت ۱۶:۰۰” از طریق پست الکترونیکی به آدرس ir.logistics@nrc.no ارسال نمایند. لطفا عبارت “School Equipment Supply- AC” در موضوع ایمیل قید گردد. به پیشنهاد های واصله بعد از تاریخ مذکور ترتیب ارائه داده نمی شود. هزینه چاپ این آگهی برعهده برنده این مناقصه می باشد.